

# جنگ و مهاجرت: نقش عوامل اقتصادی و اجتماعی در سازگاری مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس

دکتر بیژن زارع\*

## چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش عوامل اقتصادی و اجتماعی در سازگاری مهاجران جنگی خوزستانی مقیم شهرهای شیراز، فسا و کازرون در استان فارس است. روش مطالعه، از نوع پیمایشی است که با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه، اطلاعات مورد نیاز آن در سه ماهه اول سال ۱۳۷۸ جمع آوری شده است.

بر اساس آمار موجود در واحد بنیاد امور مهاجران جنگ تحمیلی، مستقر در استانداری استان فارس، تعداد خانواده‌های باقیمانده مهاجر جنگی در سه شهر یاد شده در حدود ۲۰۰۰ خانواده است که تقریباً نیمی از این تعداد تحت پوشش اداره بهزیستی استان فارس قرار دارند و نیمی دیگر مستقل و خودبسا هستند. با توجه به محدودیت بودجه و نیروی انسانی، به جای مطالعه کل جامعه آماری، نمونه معرفی در حدود ۴۳۰ خانواده (به ترتیب در شیراز ۲۶۵ خانواده، در فسا ۳۴ خانواده و در کازرون ۳۱ خانواده) تعیین شده است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، مشخص شد رابطه وضعیت اقتصادی، میزان تحصیلات، نوع مالکیت بر مسکن در مقصد و درآمد مهاجران با سازگاری، مثبت و معنادار، و رابطه وضعیت تأهل قبلی و فعلی منفی و معنادار است.

## کلید واژه

انطباق، همانندگردی، سازگاری، وضعیت اقتصادی.

### مقدمه

به‌رغم بازگشت تعداد بسیاری از مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس به محل سکونت قبل از جنگ خود، هنوز تعداد قابل توجهی از مهاجران جنگی در شهرهای محل سکونت فعلی خود در استان فارس باقیمانده‌اند و به نظر می‌رسد تصمیم به بازگشت ندارند، بر اساس مدارک موجود در استانداری استان فارس و گزارش به‌دست آمده از کارشناس امور مهاجران جنگی خوزستانی مستقر در استانداری این استان، در حدود ۲۰۰۰ خانواده جنگزده خوزستانی به‌صورت خودبسا و مستقل و یا تحت پوشش اداره بهزیستی استان فارس در شهرهای این استان باقی مانده‌اند. با وجود آن‌که ممکن است با خاتمه جنگ و بازگشت تعداد زیادی از مهاجران جنگی به محل سکونت قبلی خود، بخشی از مشکلات آنان مرتفع شود، لیکن، معضلات ناشی از این پدیده آنچنان پیچیده است که آثار آن در مقصد تا مدت‌های مدیدی همچنان باقی می‌ماند.

اگر چه مهاجران جنگی، از سویی خود پدیده‌ای ناشی از جنگ به‌شمار می‌روند و تحت تأثیر آثار اقتصادی و اجتماعی و... زیان بار آن قرار می‌گیرند؛ اما از سوی دیگر، به‌مثابه پدیده‌ای جدید، بر محیط‌های شهری و روستایی مناطق غیرجنگی، تأثیر می‌گذارند و روند طبیعی زندگی را در این مناطق دستخوش تغییر و تحول می‌کنند. به‌طور معمول، مهاجرت‌ها در سطح کلان، موجب تغییرات در سلسله مراتب ارزش‌ها و یا فرهنگ عمومی جامعه مهاجرپذیر می‌شود؛ و در سطح خرد، موجبات بروز مشکلات ناشی از نبود و یا کمبود تفاهم اجتماعی و تقابل فرهنگی مهاجران با جامعه میزبان را فراهم می‌کند.

مهاجرت به‌مثابه پدیده‌ای مرتبط با زمان، فرهنگ و شرایط اقتصادی، نوعی انطباق و سازگاری اجتماعی به‌شمار می‌رود که در پاسخ به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و تحولات فرهنگی ناشی از حوادث، در سطح محلی، ملی یا بین‌المللی پدید می‌آید (شیخی، ۱۳۶۷، ۲۹).

اگر چه جنگ در ابعاد مختلف موجبات تغییرات و تحولات اساسی در جامعه را فراهم می‌آورد، اما پدیده مهاجرت و آثار آن در جامعه و خود مهاجران جنگزده از مهم‌ترین مقوله‌هایی است که توجه و دقت ویژه‌ای می‌طلبد. جنگ از تمامی شکل‌های تحول حیات اجتماعی، تأثیرگذارتر و مهم‌تر است، و نوعی تحول متقابل به‌شمار می‌رود (بوتول، ۱۳۶۸، ۵۳)، و مهاجرت ناشی از جنگ نیز از اساسی‌ترین عوامل این تحولات است.

اساساً جنگ‌ها موجب مهاجرت می‌شوند و مهاجرت نیز زمینه لازم برای تغییرات عمیق فرهنگی و اجتماعی را پدید می‌آورند (گیدنز، ۱۳۷۳، ۲۸۲).

محیط مقصد برای مهاجران جنگی، به‌مثابه محیطی بیگانه است؛ به‌رغم آن‌که منطقه غیرجنگی، جزیی از وطن مهاجر جنگی به‌شمار می‌رود، اما وی احساس می‌کند که در آن‌جا به غربتی ناخواسته دچار شده که مجبور به تحمل آن است. این امر ناشی از دو عامل کاملاً مجزا است:

نخست، نبود آگاهی و اطلاعات لازم از محیط جدید در نزد مهاجر جنگی؛ حتی به‌رغم بهره‌مندی فرد مهاجر از این اطلاعات نیز، به دلیل شرایط ویژه ناشی از جنگ، این امر نمی‌تواند آثار تعیین‌کننده‌ای در روند زندگی مهاجران جنگی داشته باشد. به‌طور قطع وجود پیوندهای قومی و آشنایی گذشته با محیط مقصد می‌تواند بر سازگاری مهاجران جنگی با جامعه میزبان مؤثر باشد.

دوم، مهاجر جنگزده به دلیل دارا بودن شرایط ویژه، فاقد امکانات پشتیبانی‌کننده لازم در محیط است. از این‌رو، محیط جدید، بر او آثار زیان‌بار بسیاری بر جای خواهد گذارد.

نظر به شرایط حاکم در مقصد، وضعیت‌های متفاوتی در مهاجران از حیث پذیرش یا دفع محیط جدید پدید می‌آید. از این‌رو، مهاجران جنگی را می‌توان در سطح کلی به دو دسته تقسیم کرد:

نخست، مهاجرانی که بیشترین لطمه را از مهاجرت دیده‌اند و از لحاظ اقتصادی در شرایط نامطلوبی قرار گرفته و در محیط جدید دچار نوعی سرخوردگی و وازدگی شده‌اند.

دوم، مهاجرانی که به محیط جدید با خوش‌بینی نگریسته‌اند و سعی دارند که در مقصد نیز،

فعالیت از دست رفته را دوباره به همان وضع و میزان مبدأ مجدداً آغاز کنند و با محیط جدید نهایت سازگاری را به دست آورند.

در هر دو حالت، مهاجران جنگی به راحتی در مقصد جذب محیط نمی‌شوند، زیرا تنها خواست و اراده مهاجر جنگی در انطباق آنان با محیط مؤثر نیست، بلکه عوامل خارجی بر این فرایند تأثیر به‌سزایی دارند. پرواضح است که، افراد جامعه مقصد، می‌توانند در سازگاری مهاجران جنگزده با محیط جدید مؤثر باشند. چه بسا عدم یاری و همراهی از سوی مؤسسات و نهادهای مسئول و افراد جامعه مقصد به جنگزدگان، فرایند سازگاری آنان را با محیط میزبان با مشکل مواجه می‌کند.

عنصر زمان، بر میزان کاهش تعلق خاطر و وابستگی مهاجران به مبدأ تأثیر می‌گذارد. زندگی روزمره، موجبات افزایش سازگاری با محیط را در مهاجر جنگزده فراهم می‌آورد، و همچنین انطباق اقتصادی و شغلی موفق نیز، تمایل به انطباق عمومی را در آنان افزایش می‌دهد (Stein, 1979: 27).

شاید هیچ عاملی به اندازه انطباق فرهنگی و اجتماعی بین جامعه مبدأ و مقصد، بر موقعیت مهاجران جنگی در محیط جدید تأثیرگذار نباشد. چرا که، در صورت نبود این انطباق، مهاجر احساس تنهایی می‌کند و امکان برقراری ارتباط با دیگران را نمی‌یابد. بر عکس، اگر مهاجر جنگی خود را در جامعه‌ای هماهنگ با فرهنگ جامعه مبدأ ببیند، و مردم مقصد، او را به منزله مهمان خود تلقی کنند، فرایند یگانگی در او ایجاد می‌شود و سریع‌تر جذب محیط جدید خواهد شد و خود را با جامعه مقصد همسو خواهد کرد (Kunz, 1980: 46-47). بدین ترتیب، مطالعه عوامل مؤثر اقتصادی و اجتماعی بر فرایند سازگاری مهاجران جنگی، می‌تواند هم برای مسئولان و نهادهای اجرایی، و هم برای نهادها و سازمان‌های مردمی، به منظور شناسایی مشکلات و معضلات مهاجران در مقصد، راه‌گشا باشد. از سوی دیگر، این نوع مطالعات امکان شناخت و معرفت علمی درباره پدیده سازگاری مهاجران در مقصد را فراهم می‌کند.

لازم به یادآوری است در این مطالعه، منظور از تحقق سازگاری، نابودی کامل هویت قومی و فرهنگی نیست، بلکه تقویت وفاق اجتماعی و اشتراکات فرهنگی در کنار حفظ هویت قومی و فرهنگی مهاجران جنگزده است که باید وجهه همت مسئولان و دست‌اندرکاران کشور قرار گیرد.

## ۱- پیشینه تحقیق

اشتاین<sup>(۱)</sup> در تحقیقی با عنوان «سازگاری شغلی مهاجران جنگی ویتنامی در امریکا» که بر ۱۲۵/۰۰۰ ویتنامی مهاجر به امریکا تا سال ۱۹۷۵ انجام داده به این نتیجه رسیده است که: مهاجران جنگی ویتنامی، سرانجام به سازگاری شغلی با بازار کار ایالات متحده رسیدند و تنها تعداد اندکی از آنان به دلیل عدم مهارت، تخصص کارآمد، اشتغال و درآمد مکفی موفق به طی فرایند سازگاری نشدند.

علاوه بر این، وی نتیجه گیری می کند، مهم ترین عواملی که مهاجران جنگی ویتنامی ساکن امریکا را پس از ورود به جامعه مقصد، وادار به احراز شغل قبلی خود در مبدأ کرده، سن و تعداد افراد خانواده آنان به هنگام ورود به مقصد بوده است. اشتاین همچنین درباره افراد کهنسال تر مهاجر ویتنامی به این نتیجه رسیده است که آنها علاوه بر مشکلات سنی و خانوادگی با سه مشکل اساسی دیگر نیز روبه رو شده اند که عبارت اند از:

۱- فرهنگ پذیری مجدد و ترک سوابق و میراث ملی شان که به طور مسلم برای آنها در مقایسه با گروه های سنی دیگر دردناک تر بوده است.

۲- ارتقای شغلی، در این قبیل از افراد نسبت به جوان ترها با مشکلات و موانع اساسی تری روبه رو بوده است.

۳- با توجه به معیار سن به مثابه مانع عمده در بازار کار برای بومی ها، به نظر می رسد مهاجران جنگ زده کهنسال ویتنامی در این باره، با مشکلات و مصایب بیشتری نسبت به بومی های کهنسال مواجه بوده اند (Stein, 1979, 25-45).

در مطالعه دیگری که از سوی پورتس<sup>(۲)</sup> بر مهاجران جنگی کوبایی انجام شده، او چنین نتیجه گیری کرده است: دلیل روشنی در منجر شدن سازگاری شغلی و اقتصادی به سازگاری فرهنگی و اجتماعی در نزد مهاجران جنگی وجود دارد (Portes, 1968, 11-15)، سازگاری و یا عدم سازگاری مهاجران جنگی خود متأثر از نوع تخصص آنان و میزان تقاضا در بازار کار است. بر این اساس دو دیدگاه متفاوت در این فرایند شکل گرفته است:

(1) Stein

(2) Portes

نخست، دیدگاهی که از سوی افرادی نظیر ابو لوفود<sup>(۱)</sup> و لرنر<sup>(۲)</sup> عرضه شده است و بر مشکلات مهاجران برای غلبه بر پی آمدهای منفی مهاجرت و شهر، هم برای دستیابی به منطقه و هم کیفیت زندگی فرد مهاجر تأکید کرده‌اند.

دوم، دیدگاهی که بر استمرار زندگی در حوزه‌های شهری و روستایی، فرصت‌های موجود در دسترس مهاجران، و افزایش نتایج مثبت مهاجرت تأکید می‌کند.

بدین ترتیب، نقطه مشترک هر دو دیدگاه، فرایند زیرین سازگاری اقتصاد جدید و واقعیت‌های اجتماعی مشتق از مهاجرت است (MC Gee, 1971). البته مکی چینی نتیجه‌گیری می‌کند که روند سازگاری مهاجر با شهر جدید بستگی به شخصیت، انگیزه، آرزوها و فرهنگ فرد مهاجر خواهد داشت. متغیرهای سوابق مهاجر، در معرض شهر قرار گرفتن قبلی مهاجر، سن و تحصیلات وی نیز در مقایسه با مدت زمان دوره اقامت به مثابه عوامل تبیینی به‌شمار می‌رود. لازم به ذکر است، تفاوت‌هایی نیز در محیط پذیرنده وجود دارد که با تغییر در الگوهای سازگاری در میان مهاجران همبستگی دارند (Green, 1978. 66-90).

## ۲- چهارچوب نظری تحقیق

فرآیند سازگاری مهاجران در علوم اجتماعی با مفاهیم مختلفی بیان می‌شود. اگر چه ممکن است دایره و بار مفهومی هر یک از واژه‌ها و اصطلاحات رایج با هم متفاوت باشد، لیکن اشتراک معنایی زیادی نیز با یکدیگر دارند. بنابراین با نگاهی اجمالی به چهارچوب نظری مطالعه، سعی می‌شود به اختصار این مفاهیم تعریف شوند.

### ۲-۱- انطباق<sup>(۳)</sup>

از دیدگاه اجتماعی، انطباق فرایندی است که بر پایه آن، شخص یا گروهی توان ادامه حیات در محیط خاصی را می‌یابد. اشکال گوناگون انطباق اجتماعی (بیرو. ۱۳۶۶، ۴) عبارتند از:

(1) Abu-Lughod

(2) Lerner

(3) Adaptation

۱-۱-۲- انطباق از طریق هماهنگی با محیط اجتماعی و شرایط مادی هستی.  
۲-۱-۲- انطباق از طریق انقیاد در برابر شرایط اجتماعی و اشکال و صور حیات در جامعه، به هنگام پیدایی زمینه‌ای نو (همسازی)<sup>(۱)</sup>

۳-۱-۲- انطباق از طریق پذیرش هنجارهای رفتاری و یا دست‌کم برخی از ارزش‌های تمدن یا فرهنگی دیگر که ملزم به زندگی در درون آن شده‌ایم (فرهنگ‌پذیری)<sup>(۲)</sup>.  
بدین ترتیب، می‌توان گفت واژه تطبیق (که برای نخستین بار، به منظور بیان تغییرات در کردار و رفتار افراد برای سازگاری با محیط، به کار رفته است). به منظور دستیابی به رفتار مناسب از سوی جامعه و پذیرش راه‌های نوین سازگاری با محیط به کار می‌رود.

## ۲-۲- همانندگردی<sup>(۳)</sup>

آلن بیرو. در فرهنگ علوم اجتماعی، درباره همانندگردی می‌نویسد: همانندگردی فرایندی است که بر پایه آن افراد یا گروه‌های متعلق به فرهنگ‌ها و یا محیط‌های متفاوت در کلی همگن تبدیل یا دگرگونی می‌یابند. این واژه در زبان انگلیسی، با این مفهوم، به خصوص تحلیل رفتن گروه‌های مختلف (در یک کل) بدون آن‌که سلطه یا تفوقی ارزشی نسبت به یکدیگر داشته باشند، یا تحت تأثیر یکدیگر قرار گیرند، درخور توجه است. برعکس این واژه، در زبان فرانسه، همانندگردی، اندیشه جذب عناصر ناهمگن (گروه‌های بیگانه یا حاشیه‌ای و یا مهاجران و...) را در درون مجموعه اجتماعی - فرهنگی قوی‌تر را به ذهن متبادر می‌کند. این گروه‌ها، با همانندگردی، فرهنگ و شیوه حیات خود را از دست می‌دهند و با این فرایند، عنصری در درون فرهنگ قوی‌تر می‌شوند (بیرو. ۱۳۶۶. ۲۱).

## ۳-۲- سازگاری

در جامعه‌شناسی، این اصطلاح تا حدودی دو پهلو و مبهم است. سازگاری اجتماعی

(1) Acomodation

(2) Acculturation

(3) Assimilation

می‌تواند به فرایندی اطلاق شود که بر پایه آن روابط اجتماعی، هماهنگی می‌یابند و از آن حیات گروهی منتفع می‌شود.

در عین حال، سازگاری اجتماعی می‌تواند به معنای همسازی یک جزء (افراد یا گروه‌ها) با محیطی باشد که بر آن اثر می‌نهد. در این معنا، سازگاری اجتماعی با مفاهیمی چون انطباق یا همنوایی نزدیک می‌شود و از جانب دیگر، سازگاری می‌تواند بُعد دستوری بیابد. در این حالت، انقیاد در برابر مجموعه ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری که در محیطی غالب به نظر می‌رسند، معنا می‌یابد (ساروخانی، ۱۳۷۰، ۴۵).

از آن‌جا که هر اجتماع، از گروه‌های مختلف با خرده‌فرهنگ‌های متفاوت تشکیل شده است، هر یک از این گروه‌ها می‌توانند با توجه به رفتارهای اجتماعی مقبولی که برای خود دارند، تا اندازه‌ای از گروه‌های دیگر متمایز شوند. به عبارت دیگر هر یک از گروه‌های متمایز جامعه، یک خرده فرهنگ را تشکیل می‌دهند. بنابراین اعضای هر گروه، دارای نیازها و علائق ویژه‌ای هستند و به کنش با یکدیگر گرایش بیشتری نشان می‌دهند تا کنش متقابل با گروه‌های دیگر. این امر خود به تحول رویکردها و رفتارهای متمایز گروهی دامن می‌زند و حتی موجب می‌شود که هر گروه شیوه خاصی را در لباس پوشیدن و سخن گفتن اتخاذ کنند. در واقع، ارزش‌ها، رفتارها و تجارب اعضای هر جامعه با توجه به زمینه مشترک، در چهارچوب خرده گروه‌های آن جامعه تفاوت می‌یابد (والی‌پور، بی تا، ۵۱).

رویدادهای مصیبت‌باری چون جنگ، موجبات عدم کارایی عرف‌های مرسوم و شیوه‌های معمول در زندگی افراد را فراهم می‌آورد. فشار روحی ناشی از این رویدادها، گاه آنچنان عظیم است که با آنچه «ضربه فرهنگی» خوانده می‌شود چندان تفاوتی ندارد، یعنی همان احساس سردرگمی است که شخص قرار گرفته در محیط فرهنگی ناآشنا، آن را تجربه می‌کند (محسنی، ۱۳۶۶، ۳-۱۳۲).

مهاجران جنگی نیز با توجه به سوابق فرهنگی خود، در برابر فرهنگ جامعه میزبان از خود مقاومت نشان می‌دهند و به سادگی آن را نمی‌پذیرند؛ از این رو، جریان پیچیده و کندی شکل می‌گیرد که ممکن است، تا آخرین لحظه حیات، فرد مهاجر را تحت تأثیر خود قرار دهد.



همنوایی مهاجر جنگزده با تکنولوژی، نهادها، سازمان‌ها و حتی با ایدئولوژی جامعه میزبان، امری است که گاه به سهولت و سرعت و گاه نیز با کندی و تأخیر انجام می‌پذیرد. اما، جدایی فرد از ایستارها و نفسانیات خود که در سال‌های زیادی، از بدو تولد در او شکل و قوام گرفته و ثبات یافته است، کار ساده و سهلی نیست. به همین دلیل، شاید همنوایی با چهار دسته از عناصر فرهنگی، یعنی تکنولوژی، نهادهای اجتماعی، زبان و حتی ایدئولوژی به صورت تدریجی امکان‌پذیر باشد. اما، جدا شدن از ایستارهای متأثر از فرهنگ دیرین، روندی پیچیده، کند و بسیار دشوار دارد و شاید به‌طور کامل امکان‌پذیر نباشد (همان).

سازگاری مهاجران بر اساس شرایط و امکانات موجود در مقصد و ویژگی‌های خاص مهاجر در رابطه‌ای تعاملی، آن‌هم در فرایندی پیچیده، تحقق می‌یابد. در واقع، آنچه موجب سازگاری مهاجران جنگی در مقصد می‌شود وجود همخوانی‌ها و هماهنگی‌های موجود بین آن‌ها و محیط مقصد است. این‌که بین مهاجر جنگزده (در بدو ورود به جامعه مقصد) و عوامل موجود در محیط تازه تا چه اندازه سنخیت و هماهنگی وجود دارد؛ و این امر که (در دوران اقامت مهاجر در مقصد)، تا چه اندازه استعداد و توانایی‌های وی و امکانات موجود در جامعه مقصد، امکان بروز، نمود و همخوانی بیشتری می‌یابد، همگی به‌طور مستقیم بستگی تام و تمام به ویژگی‌های شخصی مهاجر جنگی و امکانات مقصد دارد. لازم به یادآوری است که تعامل بین مهاجر جنگی و محیط جدید در فرایندی طولانی و به تدریج شکل خواهد گرفت.

به‌طور معمول ورود مهاجران جنگی به جامعه مقصد، بر بسیاری از جنبه‌های زندگی مردم مقصد تأثیر می‌گذارد. براساس این تأثیرات، ساکنان مناطق غیرجنگی در پذیرش مهاجران جنگی، واکنش‌های شدید و متفاوتی دارند. تأثیرات مذکور از بُعد ساخت جمعیتی، نیروی کار، بافت اجتماعی - طبقاتی، بنیان اقتصادی، بافت فیزیکی شهر، امکانات محیط، سلامت و بهداشت محیط و چهارچوب فرهنگی رایج در مقصد، درخور توجه است.

همچنین، هر یک از این عوامل، به شیوه‌ای در پذیرش و جذب مهاجران در مقصد تأثیر دارند. شرایط حاکم در مقصد، می‌تواند موجب وضعیت‌های متفاوتی در جذب و یا دفع محیط جدید، از سوی جنگزدگان باشد. از این‌رو، مهاجران جنگی در سطح کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول: شامل مهاجران جنگزده و اکنش‌گر و فعال است که سعی می‌کنند، گروه‌هایی در مقصد با تأکید بر روابط دوستانه، آداب و رسوم قومی، خودهمیاری و هویت قومی تشکیل دهند.

دسته دوم: شامل مهاجران جنگزده غیرواکنش‌گر و منفعلی است که تلاش می‌کنند، در مقصد، گاهی خود را همچون اهالی و ساکنان بومی و گاهی همچون مهاجران جنگزده نشان دهند.

زندگی روزمره، مهاجر جنگی را وادار می‌کند خود را با محیط منطبق نماید. انطباق اقتصادی و شغلی موفق تمایل به انطباق عمومی را افزایش می‌دهد (Stein, 1979. 27). به تعبیر دیگر، هرچه رضایت شغلی مهاجر جنگزده از شغل، درآمد و شبکه روابط شغلی در محیط جدید بیشتر باشد، امکان سازگاری او با محیط مقصد بیشتر خواهد بود و بر عکس.

اما هیچ عاملی به اندازه انطباق فرهنگی و اجتماعی بین جامعه مبدأ و مقصد، بر موفقیت مهاجران جنگی در جامعه جدید مؤثر نیست. اگر این انطباق وجود نداشته باشد، مهاجر جنگزده احساس تنهایی می‌کند و از برقراری ارتباط با دیگران عاجز می‌ماند. این تنهایی ممکن است، پی آمدهای روانی بسیار نامطلوبی برای مهاجر جنگزده داشته باشد. بر عکس، اگر مهاجر جنگی خود را در جامعه‌ای هماهنگ از بُعد فرهنگی با جامعه قبلی دریابد و مردم او را به مثابه میهمان خود تلقی کنند، فرایند یگانگی در او ایجاد می‌شود و سریع‌تر جذب محیط جدید خواهد شد و خود را با جامعه مقصد همسو خواهد کرد (Kunz, 1980. 46-47).

مسائل موجود در سازگاری با محیط جدید، در همه اشکال و اوضاع بروز پیدا می‌کند (Cartwright, 1971. 21). این مسائل ممکن است کوتاه مدت یا بلند مدت باشند. مهاجر در مقصد، از همان بدو ورود ناچار به فراگیری مهارت‌های جدید است، زیرا بدون استفاده از مکانیزم‌های جدید، احتمال بقای او در نظام مقصد بسیار اندک است. در مرحله بعد، وی می‌آموزد که چگونه نقش‌های موردنظر و نیاز جامعه مقصد را بپذیرد. سرانجام، به تدریج یاد می‌گیرد، چگونه به ایده‌های تازه بیندیشد و تلقی تازه‌ای از خود بر اساس ارزش‌های جدید عرضه کند.

بدین ترتیب، سرانجام نظام مقصد، مهاجر جنگی و نسل پا گرفته از او را به منزله اعضای

دایمی خود با ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی همانند با سایر اعضای جامعه می‌پذیرد. در فرایند سازگاری و جذب، در مهاجر جنگی انتقال مهارت و شخصیت رخ می‌دهد، بدین‌سان که با از دست دادن فرهنگ قدیمی خود، فرهنگ جدید را می‌پذیرد. البته مهاجران جنگزده جوان‌تر که در مقایسه با سایر مهاجران (به‌خصوص مهاجران جنگزده مسن)، از تحرک بیشتری برخوردارند ساده‌تر با محیط مقصد سازگاری می‌یابند.

سازگاری موفقیت‌آمیز مهاجران، سطح مطلوبی از ارتباطات و توسعه رضایت‌بخش آن با جامعه میزبان به ویژه با افراد و موقعیت‌هایی که به‌طور مستقیم با فعالیت‌های روزمره آنان در ارتباطند را به همراه دارد. در این‌باره شاخص‌های ذهنی مختلفی از جمله رضایت از زندگی، فهم وابستگی و همنوایی بیشتر با نظام‌های معنایی ذهنی، همچنین، شاخص‌های اقتصادی اجتماعی عینی مانند پایگاه درآمدی و شغلی از سازگاری مهاجران جنگی در جامعه مقصد به‌شمار می‌رود.

### ۳- فرضیات تحقیق

۳-۱- رابطه میزان تحصیلات مهاجران جنگی خوزستانی و سازگاری آن‌ها با جامعه مقصد مثبت است.

۳-۲- وضعیت اقتصادی مهاجران جنگی خوزستانی با سازگاری آن‌ها در جامعه مقصد مثبت است.

۳-۳- هر چه درآمد مهاجران جنگی در جامعه مقصد بیشتر باشد آن‌ها سازگاری بیشتری با جامعه مقصد خواهند داشت.

۳-۴- اگر مهاجر جنگی خوزستانی در بدو ورود به جامعه مقصد کمک‌های دولتی را دریافت نکرده، پس از سازگاری بیشتر با جامعه مقصد از این کمک‌ها بهره‌مند شده است.

### روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع پیمایشی و جامعه آماری آن عبارت است از: مهاجران جنگی

خوزستانی مقیم استان فارس که پس از وقوع جنگ ایران و عراق در شهریور ماه سال ۱۳۵۹ به این استان مهاجرت کرده و در شهرهای استان فارس اقامت گزیده‌اند. این گروه از مهاجران پس از خاتمه جنگ، از بازگشت به محل سکونت پیش از جنگ خود، خودداری کرده و در هنگام جمع‌آوری اطلاعات در شهرهای شیراز (۱۶۱۰ خانوار)، فسا (۲۰۱ خانوار) و کازرون (۱۵۹ خانوار) سکونت داشته‌اند.

نمونه مطالعه با توجه به فرمول نمونه‌گیری کوکران (سرای، ۱۳۷۲، ۱۳۲)، عبارت است از:  $n = ۳۳$ ، که سهم نمونه در هر شهر با توجه به جمعیت مهاجران در آنجا به ترتیب شیراز ۲۶۵ خانواده، فسا ۳۴ خانواده و کازرون ۳۱ خانواده تعیین شد.

روش جمع‌آوری اطلاعات: اطلاعات مورد نیاز به کمک مصاحبه حضوری - که از نیمه اول فروردین لغایت پایان تیر ماه ۱۳۷۸ ه. ش. آغاز و پایان یافت - به دست آمد.

واحد مطالعه: در این پژوهش واحد مطالعه خانواده بوده است. اما، برای تکمیل پرسشنامه‌ها به سرپرست خانواده‌ها مراجعه شده است.

سطح تحلیل: با توجه به آنکه مطالعه در سه شهر بزرگ استان فارس - که بیشترین تراکم خانواده مهاجران جنگی خوزستانی را تا هنگام اجرای پرسشنامه در مقایسه، با سایر شهرستان‌های استان در خود جای داده بود - انجام پذیرفته، از این رو سطح تحلیل استانی است. سازگاری: برای اندازه‌گیری سازگاری از شاخص‌هایی نظیر: میزان احساس غربت، میزان دلبستگی به محل سکونت قبل از جنگ، رضایت از جنبه‌های مختلف زندگی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی محلی، کاربرد واژه‌های محلی، تمایل به مشارکت در مراسم اجتماعی مذهبی متعلق به جامعه مقصد، چگونگی گذران اوقات فراغت، نگرش مهاجر به ویژگی‌های اخلاقی اهالی جامعه مقصد، میزان رضایت شغلی مهاجر جنگی در مقصد و... استفاده شده است.

روش تعیین اعتبار شاخص‌های سازگاری: در این پژوهش از شاخص‌های اعتباریابی همبستگی درونی<sup>(۱)</sup> استفاده شده است. محاسبه ضریب همبستگی درونی شاخص‌ها نشان می‌دهد که در تمامی موارد ضرایب به دست آمده دارای معناداری بالایی بوده است.

جدول ۱: ضرایب همبستگی درونی شاخص‌های مختلف سازگاری

|                                       |  |                                      |                        |                                     |            |         |
|---------------------------------------|--|--------------------------------------|------------------------|-------------------------------------|------------|---------|
| رضایت از جنبه‌های مختلف زندگی در مقصد | نحوه استفاده از وسایل ارتباط جمعی محلی | تمایل به شرکت در مراسم اجتماعی مذهبی | نحوه گذران اوقات فراغت | نگرش به ویژگی‌های اخلاقی اهالی مقصد | رضایت شغلی | سازگاری |
| ۰/۸۳۶                                 | ۰/۷۱۶                                  | ۰/۸۶۵                                | ۰/۶۶۶                  | ۰/۸۶۶                               | ۰/۸۸۲      | ۰/۵۸۷   |

(در تمامی موارد ضریب همبستگی درونی در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بوده است).

#### ۴- یافته‌های پژوهش

در این بخش، ابتدا تعدادی از جداول مربوط به توزیع فراوانی برخی از متغیرهای مستقل ذکر و سپس به توصیف و توضیح برخی از جداول تقاطعی مربوط به متغیرهای مستقل وابسته پرداخته می‌شود.

جدول ۲: توزیع مهاجران جنگی برحسب نحوه گذران زندگی

| نحوه گذران زندگی | فراوانی | درصد نسبی | درصد تراکمی |
|------------------|---------|-----------|-------------|
| وابسته           | ۱۶۴     | ۴۹/۷      | ۴۹/۷        |
| خودبسا           | ۱۶۶     | ۵۰/۳      | ۱۰۰         |
| جمع              | ۳۳۰     | ۱۰۰       | -           |

#### ● توزیع خانوارهای مهاجران جنگی خوزستانی برحسب نحوه گذران زندگی (وضعیت اقتصادی)

ارقام موجود در جدول شماره دو بیانگر آن است که ۴۹/۷ درصد از خانواده‌های مهاجران (۱۶۴ خانواده) برای گذران زندگی خود به نحوی به کمک‌های دولتی متکی‌اند، در حالی که ۵۰/۳ درصد از آنان (۱۶۶ خانواده) خودبسا و مستقل‌اند. البته به‌رغم دریافت کمک‌های مالی مهاجران خوزستانی وابسته از ارگان‌های دولتی، به‌دلیل ناچیز بودن کمک‌ها، این افراد مجبورند به‌منظور امرار معاش به مشاغل کاذبی نظیر: کار در خانه‌های دیگران، سیگارفروشی، کارگری و...

بپردازند. در مجموع می‌توان گفت، این گروه از مهاجران به دلیل شرایط نامساعد معیشتی در معرض آسیب‌های اجتماعی مختلفی قرار دارند.

### جدول ۳: توزیع مهاجران جنگی خوزستانی بر حسب مدرک تحصیلی

| مدرک تحصیلی       | فراوانی | درصد نسبی | درصد تراکمی |
|-------------------|---------|-----------|-------------|
| بی‌سواد           | ۶۷      | ۲۰/۳      | ۲۰/۳        |
| خواندن و نوشتن    | ۴۴      | ۱۳/۳      | ۳۳/۶        |
| راهنمایی و سیکل   | ۶۳      | ۱۹/۱      | ۵۲/۷        |
| دیپلم و فوق دیپلم | ۱۱۳     | ۳۴/۳      | ۸۷          |
| لیسانس و بالاتر   | ۴۳      | ۱۳        | ۱۰۰         |
| جمع               | ۳۳۰     | ۱۰۰       | -           |

● در جدول شماره ۳، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود درصد بی‌سوادان در بین مهاجران جنگی خوزستانی در نمونه مطالعه شده بالا است. این گروه، بیشتر به مهاجران تحت پوشش یا وابسته تعلق دارد. این افراد یا به دلیل شرایط بد اقتصادی خانواده موفق به تحصیل نشده‌اند و یا این‌که مشکلات اولیه در اسکان پس از مهاجرت به استان فارس بعد از جنگ موجب شده تا آن‌ها امکان سوادآموزی را نیابند.

### جدول ۴: وضعیت تأهل مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس

#### قبل و بعد از مهاجرت

| وضعیت<br>تأهل<br>مهاجران | قبل از مهاجرت و جنگ |           |             | بعد از مهاجرت |           |
|--------------------------|---------------------|-----------|-------------|---------------|-----------|
|                          | فراوانی             | درصد نسبی | درصد تراکمی | فراوانی       | درصد نسبی |
| مجرد                     | ۱۸۵                 | ۵۶/۲      | ۵۶/۲        | ۴۳            | ۱۳        |
| متاهل                    | ۱۳۱                 | ۳۹/۷      | ۹۵/۹        | ۲۲۶           | ۶۸/۵      |
| بدون همسر بر اثر طلاق    | ۹                   | ۲/۶       | ۹۸/۶        | ۳۷            | ۱۱/۲      |
| بدون همسر بر اثر فوت     | ۵                   | ۱/۵       | ۱۰۰         | ۲۴            | ۷/۳       |
| جمع                      | ۳۳۰                 | ۱۰۰       | -           | ۳۳۰           | ۱۰۰       |

● براساس جدول شماره ۴، به دلیل شرایط نابسامان اقتصادی، مهاجران جنگی خوزستانی وابسته، با مشکلات متعددی نظیر فروپاشی کانون خانوادگی، بیماری‌های روانی و وضعیت نامطلوب بهداشت روانی (مرگ‌ومیر یکی از والدین) مواجه‌اند.

آمارها<sup>۱</sup> نشان می‌دهند که وضعیت مسکن مهاجران بعد از مهاجرت و جنگ در مقایسه با قبل بدتر شده است. به‌خصوص که، مهاجران وابسته در مقایسه با مهاجران خودبسا وضعیتی به مراتب نامطلوب‌تر دارند. شاید بخشی از مشکلات خانوادگی، بهداشتی و روانی این گروه نیز معلول وضعیت نامناسب مسکن آنان باشد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، بیشتر مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس دارای درآمد کمتر از ۴۰ هزار تومان در ماه هستند، که این امر خود مشکلات متعددی در امرار معاش برای آنان فراهم می‌آورد. مهم‌ترین مشکلات را می‌توان مشکلات خانوادگی، روانی و بهداشت و سلامت جسمی - روانی ذکر کرد.

نمرات سازگاری مهاجران جنگی در نمونه مطالعه شده با توجه به شاخص‌های مختلف سازگاری و پاسخ‌های عرضه شده، در هر فرد مهاجر محاسبه و مشخص شد که حداقل نمره سازگاری در کل نمونه، ۵۴ و حداکثر نمره سازگاری ۱۷۶ و میانگین آن ۱۲۸ است. سپس نمرات در سه مقوله: افراد با سازگاری کم، با سازگاری متوسط و با سازگاری زیاد دسته‌بندی شدند. نتیجه دسته‌بندی مذکور عبارت است از:

افراد با سازگاری کم:  $1 = 94/99 - 54$

افراد با سازگاری متوسط:  $2 = 135/99 - 95$

افراد با سازگاری زیاد:  $3 = 176 - 136$ .

علاوه بر آن حداقل، حداکثر و میانگین نمرات سازگاری در سه شهر شیراز، فسا و کازرون نیز به ترتیب جدول شماره ۵ به دست آمده است.

لازم به ذکر است، شهر کازرون در مقایسه با دو شهر شیراز و فسا شرایط متفاوت‌تری در پذیرش مهاجران جنگ‌زده داشته است. زیرا، از همان بدو ورود مهاجران جنگی به این شهر، مسئولان مربوطه اقدام به ساخت شهرک مسکونی برای آنان نموده و واحدهای

مسکونی احداث شده را با قیمت ارزان و اقساط طولانی مدت در اختیار آنان قرار داده‌اند. همین امر موجب شده است مهاجران جنگی خوزستانی ساکن کازرون با مشکلات کمتری در مقایسه با مهاجران جنگی خوزستانی ساکن شیراز و فسا مواجه و دارای سازگاری بیشتری باشند. حداقل، حداکثر و میانگین نمرات مندرج در جدول شماره ۵ نشان‌دهنده همین امر است.

جدول ۵: وضعیت نمرات سازگاری مهاجران جنگی خوزستانی در شهرهای مختلف استان فارس و در کل نمونه

| میانگین | حداکثر | حداقل | میزان نمرات سازگاری | شهرها و کل نمونه |
|---------|--------|-------|---------------------|------------------|
| ۱۲۸     | ۱۷۶    | ۵۴    |                     | کل نمونه         |
| ۱۲۶     | ۱۷۳    | ۵۴    |                     | شیراز            |
| ۱۲۸     | ۱۷۱/۵  | ۹۳    |                     | فسا              |
| ۱۴۵     | ۱۷۶    | ۱۰۵/۵ |                     | کازرون           |

جدول ۶: رابطه سازگاری مهاجران جنگی خوزستانی با وضعیت اقتصادی آنها (چگونگی گذران زندگی)

| $\chi^2$  | خودکفا |       | وابسته |       | وضعیت اقتصادی |
|-----------|--------|-------|--------|-------|---------------|
|           | درصد   | تعداد | درصد   | تعداد |               |
| ۱۹/۴۳     | ۱/۲    | ۴     | ۳/۹    | ۱۳    | کم            |
|           | ۲۶/۷   | ۸۸    | ۳۴/۲   | ۱۱۳   | متوسط         |
| P = ۰/۰۰۰ | ۲۲/۴   | ۷۴    | ۱۱/۵   | ۳۸    | زیاد          |
|           | ۵۰/۳   | ۱۶۶   | ۴۹/۷   | ۱۶۴   | جمع           |

Tau c = ۰/۲۳۹



● ارقام مندرج در جدول شماره ۶ حاکی از آن است که، ۳/۹ درصد (۱۳ نفر) از مهاجران جنگی خوزستانی در نمونه مطالعه شده ساکن استان فارس که به لحاظ اقتصادی وابسته به کمک‌های ارگان‌های دولتی‌اند دارای سازگاری باشند. ۳۴/۲ درصد (۱۱۳ نفر) آن‌ها دارای سازگاری متوسط و ۱۱/۵ درصد (۳۸ نفر) از مهاجران جنگی خوزستانی دارای سازگاری زیادی شده‌اند. در حالی که، ۱/۲ درصد (۴ نفر) از مهاجران که به لحاظ اقتصادی خودپسا به‌شمار می‌روند، دارای سازگاری کم، ۲۶/۷ درصد (۸۸ نفر) دارای سازگاری متوسط و ۲۲/۴ درصد (۷۴ نفر) دارای سازگاری زیادی با جامعه مقصد شده‌اند. در نگاهی کلی به جدول مذکور، می‌توان گفت که مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس که از لحاظ اقتصادی خودپسا و مستقل‌اند، در مقایسه با مهاجران جنگی وابسته، سازگاری بیشتری دارند. رابطه آماری دو متغیر مورد مطالعه معنادار است ( $X^2 = 19/43, df = 2, p = 0/000$ ).

جدول ۷: رابطه مدرک تحصیلی با سازگاری مهاجران جنگی خوزستانی  
مقیم استان فارس

| $X^2$   | لیسانس و بالاتر |      | دیپلم و فوق دیپلم |      | راهنمایی و سیکل |      | خواندن و نوشتن |      | بی‌سواد |      | میزان مدرک تحصیلی |
|---------|-----------------|------|-------------------|------|-----------------|------|----------------|------|---------|------|-------------------|
|         | تعداد           | درصد | تعداد             | درصد | تعداد           | درصد | تعداد          | درصد | تعداد   | درصد |                   |
| P=۰/۰۰۰ | -               | -    | ۱/۲               | ۴    | ۱/۵             | ۵    | ۰/۶            | ۲    | ۱/۸     | ۶    | کم                |
|         | ۶/۱             | ۲۰   | ۲۰                | ۶۶   | ۹/۷             | ۳۲   | ۹/۴            | ۳۱   | ۱۵/۸    | ۵۲   | متوسط             |
|         | ۷               | ۲۳   | ۱۳                | ۴۳   | ۷/۹             | ۲۶   | ۳/۳            | ۱۱   | ۲/۷     | ۹    | زیاد              |
|         | ۱۳              | ۴۳   | ۳۴/۲              | ۱۱۳  | ۱۹/۱            | ۶۳   | ۱۳/۳           | ۴۴   | ۲۰/۳    | ۶۷   | جمع               |

Tau c = ۰/۲۰۱

● بر اساس داده‌های موجود در جدول شماره ۷ می‌توان گفت که ۱/۸ درصد (۶ نفر) از افراد مهاجر جنگی خوزستانی بی‌سواد، دارای سازگاری کم، ۱۵/۸ درصد (۵۲ نفر) دارای سازگاری

متوسط و ۲/۷ درصد (۹ نفر) نیز دارای سازگاری زیاد شده‌اند. ۰/۶ درصد (۲ نفر) از مهاجران جنگی خوزستانی با سواد (خواندن و نوشتن) دارای سازگاری کم، ۹/۴ درصد (۳۱ نفر) دارای سازگاری متوسط و ۳/۳ درصد (۱۱ نفر) از مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس دارای سازگاری زیاد شده‌اند. همچنین، ۱/۵ درصد (۵ نفر) از مهاجران جنگی خوزستانی دارای سواد در سطح راهنمایی سازگاری کم، ۹/۷ درصد (۳۲ نفر) از آن‌ها سازگاری متوسط و ۷/۹ درصد (۲۶ نفر) از آن‌ها سازگاری زیاد با جامعه مقصد داشته‌اند. علاوه بر این، ارقام موجود در جدول نشان می‌دهد که ۱/۲ درصد (۴ نفر) از مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس در نمونه مطالعه شده دارای سواد دیپلم و فوق دیپلم سازگاری کم، ۲۰ درصد (۶۶ نفر) از آن‌ها سازگاری متوسط و ۱۳ درصد (۴۳ نفر) از مهاجران مذکور سازگاری زیادی داشته‌اند. در حالی که، ۶/۱ درصد (۲۰ نفر) از مهاجران جنگی خوزستانی مطالعه شده دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر سازگاری متوسط در مقصد و ۷ درصد (۲۳ نفر) از آن‌ها سازگاری زیاد داشته‌اند. در مجموع نیز می‌توان گفت که، رابطه بین سطح تحصیلات و میزان سازگاری مهاجران جنگی خوزستانی در مقصد مثبت و معنادار است. یعنی با افزایش میزان تحصیلات مهاجران، سازگاری آن‌ها با جامعه مقصد بیشتر می‌شود. مقدار  $X^2 = 27/75$  است ( $P = 0/000$  و  $df = 8$  و  $X^2 = 27/75$ ).

#### جدول ۸: رابطه وضعیت تأهل مهاجران جنگی در مبدأ و سازگاری آن‌ها در مقصد

| $X^2$      | بدون همسر |      | بدون همسر |      | داری همسر |      | ازدواج نکرده |      | وضعیت تأهل<br>میزان سازگاری |
|------------|-----------|------|-----------|------|-----------|------|--------------|------|-----------------------------|
|            | تعداد     | درصد | تعداد     | درصد | تعداد     | درصد | تعداد        | درصد |                             |
| ۱۳/۱۷      | -         | -    | ۰/۶       | ۲    | ۱/۲       | ۴    | ۳/۳          | ۱۱   | کم                          |
|            | ۱/۵       | ۵    | ۲/۱       | ۷    | ۲۵/۲      | ۸۳   | ۳۲/۵         | ۱۰۷  | متوسط                       |
| $P = 0/04$ | -         | -    | -         | -    | ۱۳/۴      | ۲۴   | ۲۰/۴         | ۶۷   | زیاد                        |
|            | ۱/۵       | ۵    | ۲/۶       | ۹    | ۳۹/۷      | ۱۳۱  | ۵۶/۲         | ۱۸۵  | جمع                         |

Tau c = -۰/۱۱۴

● با نگاهی به ارقام مندرج در جدول شماره ۸ می‌توان گفت که، ۳/۳ درصد (۱۱ نفر) از مهاجران ازدواج نکرده سازگاری کم، ۳۲/۵ درصد (۱۰۷ نفر) سازگاری متوسط و ۲۰/۴ درصد (۶۷ نفر) از آن‌ها سازگاری زیاد با جامعه مقصد دارند. ۱/۲ درصد (۴ نفر) از مهاجران جنگی خوزستانی متأهل (دارای همسر) قبل از مهاجرت در نمونه مطالعه شده دارای سازگاری کم، ۲۵/۲ درصد (۸۳ نفر) دارای سازگاری متوسط و ۱۳/۴ درصد (۴۴ نفر) از آن‌ها دارای سازگاری زیاد با مقصد شده‌اند. این در حالی است که ۱۶ درصد (۲ نفر) از مهاجرانی که قبل از جنگ و مهاجرت به استان فارس فاقد همسر بر اثر طلاق بوده‌اند دارای سازگاری متوسط شده‌اند. رابطه آماری دو متغیر، معنادار و منفی است. در واقع می‌توان گفت که افراد مجرد دارای سازگاری بیشتری با مقصد شده‌اند ( $P = ۰/۰۴$  و  $df = ۶$ ،  $X^2 = ۱۳/۱۷$ ).

جدول ۹: رابطه وضعیت تأهل فعلی مهاجران جنگی خوزستانی مقیم فارس و سازگاری آن‌ها با مقصد

| $X^2$       | بدون همسر |      | بدون همسر |      | داری همسر |      | ازدواج نکرده |      | وضعیت تأهل |
|-------------|-----------|------|-----------|------|-----------|------|--------------|------|------------|
|             | تعداد     | درصد | تعداد     | درصد | تعداد     | درصد | تعداد        | درصد |            |
| ۳۷/۶۴       | ۱         | ۰/۳  | ۱/۸       | ۶    | ۲/۱       | ۷    | ۰/۹          | ۳    | کم         |
|             | ۲۳        | ۷    | ۸/۵       | ۲۸   | ۳۷/۹      | ۱۲۵  | ۷/۶          | ۲۵   | متوسط      |
| $P = ۰/۰۰۰$ | -         | -    | ۰/۹       | ۳    | ۲۸/۵      | ۹۴   | ۴/۵          | ۱۵   | زیاد       |
|             | ۲۴        | ۷/۳  | ۱۱/۲      | ۳۷   | ۶۸/۵      | ۲۲۶  | ۱۳           | ۴۳   | جمع        |

Tau c = -۰/۱۵۱

● بر اساس ارقام موجود در جدول شماره ۹، ۰/۹ درصد (۳ نفر) از مهاجران جنگی خوزستانی مجرد در مقصد دارای سازگاری کم، ۷/۶ درصد (۲۵ نفر) دارای سازگاری متوسط و ۴/۵ درصد (۱۵ نفر) دارای سازگاری زیاد با مقصد شده‌اند. ۲/۱ درصد (۷ نفر) از مهاجران

جنگی مطالعه شده متاهل در استان فارس، دارای سازگاری کم، ۳۷/۹ درصد (۱۲۵ نفر) از آن‌ها دارای سازگاری متوسط و ۲۸/۵ درصد (۹۴ نفر) دارای سازگاری زیاد با جامعه مقصد شده‌اند. ۱/۸ درصد (۲۸ نفر) دارای سازگاری متوسط و ۰/۹ درصد (۳ نفر) دارای سازگاری زیاد شده‌اند. ۰/۳ درصد (۱ نفر) از مهاجران بدون همسر دارای سازگاری کم و ۷ درصد (۲۳ نفر) از آن‌ها دارای سازگاری متوسط در جامعه مقصد شده‌اند. رابطه دو متغیر مجرد و تاهل در مطالعه حاضر از لحاظ آماری معنادار و منفی است. بر این اساس می‌توان گفت که، در بین گروه‌های مختلف مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس، افراد متاهل از سازگاری بیشتری در مقایسه با سایرین با جامعه مقصد برخوردار شده‌اند. احتمالاً دلیل آن این است که بسیاری از این افراد قبلاً در مقصد مجرد بوده پس از مهاجرت به استان فارس تاهل اختیار کرده‌اند.

جدول ۱۰: رابطه نوع مالکیت در منزل مسکونی مهاجران جنگی خوزستانی در استان فارس و سازگاری آن‌ها با مقصد

| X <sup>۲</sup> | دولتی |      | رهنی<br>شخصی |      | اجاره‌ای |      | مالکیت<br>مسکونی |      | نوع مالکیت<br>منزل<br>میزان سازگاری |
|----------------|-------|------|--------------|------|----------|------|------------------|------|-------------------------------------|
|                | تعداد | درصد | تعداد        | درصد | تعداد    | درصد | تعداد            | درصد |                                     |
| ۳۰/۸۴          | ۳/۳   | ۱۱   | -            | -    | ۰/۶      | ۲    | ۱/۲              | ۴    | کم                                  |
|                | ۲۹/۱  | ۹۶   | ۳/۹          | ۱۳   | ۱۳/۹     | ۴۶   | ۱۳/۹             | ۴۶   | متوسط                               |
| P=۰/۰۰۰        | ۷/۹   | ۲۶   | ۲/۷          | ۹    | ۷        | ۲۳   | ۱۶/۴             | ۵۴   | زیاد                                |
|                | ۴۰/۳  | ۱۳۳  | ۶/۷          | ۲۲   | ۲۱/۵     | ۷۱   | ۳۱/۵             | ۱۰۴  | جمع                                 |

Tau c = ۰/۲۱۶

● با نگاهی به جدول شماره ۱۰ می‌توان گفت که، ۱/۲ درصد (۴ نفر) از مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس که دارای مالکیت شخصی بر منزل مسکونی خود در مقصداند، دارای سازگاری کم در جامعه مقصد، ۱۳/۹ درصد (۴۶ نفر) از مهاجران مذکور دارای سازگاری

متوسط و ۱۶/۴ درصد (۵۴ نفر) از آن‌ها دارای سازگاری زیاد شده‌اند. ۰/۶ درصد (۲ نفر) از مهاجران ساکن در منزل اجاره‌ای در مقصد دارای سازگاری کم، ۱۳/۹ درصد (۴۶ نفر) از مهاجران مذکور دارای سازگاری متوسط و ۷ درصد (۲۳ نفر) از آن‌ها نیز دارای سازگاری زیاد با جامعه مقصد شده‌اند. ۳/۹ درصد (۱۳ نفر) از مهاجران جنگی خوزستانی ساکن منازل رهنی دارای سازگاری متوسط و ۲/۷ درصد (۹ نفر) از آن‌ها نیز دارای سازگاری زیاد با جامعه مقصد شده‌اند. ۳/۳ درصد (۱۱ نفر) از مهاجران جنگی خوزستانی ساکن منازل دولتی دارای سازگاری کم، ۲۹/۱ درصد (۹۶ نفر) از آن‌ها دارای سازگاری متوسط و ۷/۹ درصد (۲۶ نفر) نیز دارای سازگاری زیاد با جامعه مقصد شده‌اند. رابطه دو متغیر از لحاظ آماری معنادار و مثبت است. در مجموع نیز می‌توان گفت که افراد دارای منزل مسکونی با مالکیت، در مقایسه با سایر گروه‌های مهاجران جنگی خوزستانی دارای سازگاری بیشتری با جامعه مقصد در استان فارس شده‌اند ( $P = ۰/۰۰۰$  و  $X^2 = ۳۰/۲۸$ ،  $df = ۶$ ).

جدول ۱۱: رابطه میزان درآمد مهاجران جنگی خوزستانی مقیم فارس با سازگاری آن‌ها در مقصد

| $X^2$     | زیاد  |      | متوسط |      | کم    |      | میزان سازگاری |
|-----------|-------|------|-------|------|-------|------|---------------|
|           | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد |               |
| ۴۰/۱۴     | -     | -    | ۰/۹   | ۳    | ۴/۳   | ۱۴   | کم            |
|           | ۲/۸   | ۹    | ۱۴/۲  | ۴۶   | ۴۳/۵  | ۱۴۱  | متوسط         |
| $P=۰/۰۰۰$ | ۶/۲   | ۲۰   | ۱۴/۸  | ۴۸   | ۱۳/۳  | ۴۳   | زیاد          |
|           | ۹     | ۲۹   | ۲۹/۹  | ۹۷   | ۶۱/۱  | ۱۹۸  | جمع           |

Tau B = ۰/۳۲۷

● همان‌گونه که ارقام مندرج در جدول شماره ۱۱ نشان می‌دهد، ۴/۳ درصد (۱۴ نفر) از مهاجران جنگی خوزستانی کم درآمد در استان فارس دارای سازگاری کم، ۴۳/۵ درصد (۱۴۱ نفر)

دارای سازگاری متوسط و  $۱۳/۳$  درصد (۴۳ نفر) نیز دارای سازگاری زیاد در جامعه مقصد شده‌اند. همچنین،  $۰/۹$  درصد (۳ نفر) از مهاجران جنگی خوزستانی با درآمد متوسط در استان فارس دارای سازگاری کم،  $۱۴/۲$  درصد (۴۶ نفر) نیز دارای سازگاری متوسط و  $۱۴/۸$  درصد (۴۸ نفر) از آن‌ها دارای سازگاری زیاد در جامعه مقصد شده‌اند. علاوه بر آن،  $۲/۸$  درصد (۹ نفر) از مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس که درآمد بالایی دارند دارای سازگاری متوسط و  $۶/۲$  درصد (۲۰ نفر) از آن‌ها نیز دارای سازگاری زیاد با جامعه مقصد شده‌اند. رابطه دو متغیر میزان درآمد و سازگاری از لحاظ آماری معنادار و مثبت است. این امر بیانگر آن است که با افزایش درآمد، میزان سازگاری مهاجران جنگی خوزستانی در نمونه مطالعه شده نیز افزایش می‌یابد ( $P = ۰/۰۰$  و  $df = ۴$ ،  $X^2 = ۴۰/۱۴$ ).

## ۵- نتیجه گیری

- ۱-۵- رابطه وضعیت اقتصادی مهاجران با سازگاری آن‌ها در مقصد معنادار و مثبت است. یعنی، مهاجران مستقل در چگونگی گذران زندگی در مقایسه با مهاجران وابسته به کمک‌های دولتی از سازگاری بیشتری با جامعه مقصد برخوردارند.
- ۲-۵- رابطه میزان تحصیلات مهاجران با سازگاری آن‌ها در مقصد معنادار و مثبت است. یعنی، با افزایش میزان تحصیلات مهاجران جنگی خوزستانی، سازگاری آن‌ها با مقصد افزایش پیدا می‌کند.
- ۳-۵- رابطه تأهل مهاجران جنگی خوزستانی قبل از جنگ و مهاجرت با سازگاری آن‌ها در مقصد معنادار و منفی است. به عبارت دیگر، افرادی که در مبدأ مجرد بوده‌اند از سازگاری بیشتری در مقایسه با سایرین در مقصد برخوردار شده‌اند.
- ۴-۵- رابطه وضعیت تأهل فعلی مهاجران جنگی خوزستانی، با سازگاری آن‌ها در مقصد معنادار و منفی است. مجردها در مقایسه با سایر گروه‌ها از سازگاری بیشتری با جامعه مقصد برخوردار هستند.
- ۵-۵- رابطه نوع مالکیت مسکن مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس با سازگاری

آن‌ها در جامعه مقصد معنادار و مثبت است. یعنی، افراد دارای، مالکیت شخصی بر منزل مسکونی، در مقایسه با سایرین دارای سازگاری بیشتری با جامعه مقصد شده‌اند.

۵-۶. رابطه درآمد مهاجران جنگی خوزستانی در مقصد با سازگاری معنادار و مثبت است. یعنی با افزایش درآمد مهاجران میزان سازگاری آن‌ها در مقصد افزایش پیدا می‌کند.

در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که چهارچوب نظری مطالعه در مجموع تأیید شد. البته، نقش دولت و مؤسسات دولتی و فراهم بودن امکانات در مقصد نیز در این باره حایز اهمیت است. به علاوه وجود امکانات اقتصادی نیز تأثیر زیادی در سازگاری مهاجران جنگی در مقصد دارد.

## ۶- پیشنهادات

- ۱) تدوین و انتشار متونی درباره ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر استان به منظور عرضه اطلاعات منطقه‌ای به مهاجران و افراد تازه‌وارد، به گونه‌ای که این متون نیاز آن‌ها را به منظور ایجاد ارتباط مناسب با اهالی جامعه میزبان و در صورت لزوم اشتغال و کسب درآمد مکفی مرتفع سازد.
- ۲) جمع‌بندی و تدوین تجربه‌های گذشته استقرار مهاجران در استان‌های مهاجرپذیر، به ویژه نمونه‌های موفق در اسکان ایشان در جامعه میزبان و همچنین استفاده از تجارب دیگر کشورها در این باره به منظور کاهش معضلات نهادهای اجرایی از یک سو و مهاجران جنگی از سوی دیگر.
- ۳) تهیه بروشورهای حاوی اطلاعات اولیه مورد نیاز مهاجران و تازه‌واردان به استان‌ها و شهرستان‌های مختلف کشور به گونه‌ای که آن‌ها در بدو ورود دچار سردرگمی و آشفتگی ناشی از عدم آگاهی به محیط جدید نشوند.

## پی‌نوشت

- ۱- آمار و جداول در اصل پژوهش موجود است.

## منابع و مآخذ

### منابع فارسی:

- امینی صارمی. نوذر (تابستان ۱۳۷۷). «جنگ، مهاجرت تحمیلی و سامان فرهنگی». فصلنامه نامه پژوهش. تهران. مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ش ۹.
- بوتول. گاستون (۱۳۶۸). جامعه‌شناسی جنگ. ترجمه هوشنگ فرخجسته. تهران. سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- بیرو. آلن (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی. تهران. سازمان انتشارات مؤسسه کیهان.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۷۵). تهران. مؤسسه اطلاعات. ش ۲۰۸۰۸.
- ساروخانی. باقر (۱۳۷۰). دایرةالمعارف علوم اجتماعی. تهران. سازمان انتشارات مؤسسه کیهان.
- سرایی. حسن (۱۳۷۲). مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق. تهران. انتشارات سمت.
- شیخی. محمدتقی (۱۳۶۷). تحلیل و کار بر جمعیت‌شناسی. تهران. انتشارات اشراقی.
- گیدنز. آنتونی (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران. نشر نی.
- لهسایی‌زاده. عبدالعلی (۱۳۶۸). «دیدگاه جامعه‌شناختی مهاجرت از روستا به شهر». مجموعه مقالات نظریات مهاجرت، شیراز. انتشارات نوید.
- محسنی. منوچهر (۱۳۶۶). جامعه‌شناسی عمومی. تهران. انتشارات کتابخانه طهوری.
- «مروری بر تحولات جنگ». فصلنامه فرهنگی و اجتماعی. گفتگو (بهار ۱۳۷۸). تهران. ش ۲۳.
- نوذری. عزت‌اله و میلان. شاپور (۱۳۶۷). «مهاجرت اجباری بر اثر جنگ تحمیلی». مجموعه مقالات دومین گردهم‌آیی دانشگاه شیراز پیرامون نقش پژوهش در بازسازی. شیراز. ج ۱.
- والی‌پور. ایرج (بی‌تا). روانشناسی سازگاری. تهران. انتشارات توس.



منابع انگلیسی:

- Cartwright. Desmond and Carol Cartwright (1971). *Psychological and Adjustment: Behavior and the Inner World*. Chicago Rondically and Company.
- Green. Sarah (spring 1978a). *Comparative Studies of Migrant Adjustment in Asian Cities*. IMR. Vol.12. No(1).
- Kunz. Egon, F (spring 1980). *Exile and Resettlement: Refugee theory*. IMR. Vol.17(1).
- MC Gee. T.B. (1971). *The Urbanization Process in the Third World*. London: G.Bell and Sons.
- Portes. A. (1968). *Dilemas of the Golden Exile: Integration of Cuban Refugee Families in Milwaukee*. American Sociological Review. Vol.34.
- Stein. Barry. N. (1979). *Occupational Adjustment of Refugees: The vietnamese in U.S.*IMR. Vol.13.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی